



هوشمند فتح اعظم

هوشمند فتح اعظم در ۸ ژانویه ۱۹۲۵ در طهران در خانواده بهائی سرشناسی متولد شد که منسوب به خاندانی از نخستین پیروان نام آشنا و تاریخ ساز در آیین بابی و امر بهائی است. نام خانوادگی فتح اعظم عنوانی است که حضرت بهاء الله به مناسبت خدمات ارزنده و تاریخی جدّ اعلای هوشمند، میرزا فتح علی اردستانی، به وی عنایت فرموده اند. جناب نورالدین فتح اعظم، پدر هوشمند، سالها عضو محفل روحانی طهران و هم‌زمان عضو محفل روحانی ملی در ایران بودند و خدماتشان کراراً مورد تقدیر و امتنان حضرت شوقی افندی ولی امرالله قرار گرفته است.

هوشمند فتح اعظم در اواخر دورهٔ دبیرستان به جرگهٔ شاگردان کلاس مشق نطق جناب مهندس عزت‌الله ذبیح درآمد. وی اظهار می‌داشت مطالعه و مباحثه در آثار مبارکه، به نحوی که در کلاس مزبور اجرا می‌شد، سبب تقلیبی روحانی در ایشان شد و او را از دل‌بستگی به عوالم مادی زندگانی‌های بخشید. این بود که پس از اتمام دورهٔ دبیرستان، با اجازهٔ والدین، برای مدتی به عراق مهاجرت کرد و در موصل به خدمات امری پرداخت. در مراجعت به طهران، تحصیلات خود را در رشتهٔ ادبیات فارسی در دانشسرای عالی دانشگاه طهران ادامه داد و از همان ابتدا قریحه و استعداد درخشانی که در نویسندگی و سرودن اشعار فارسی داشت، مورد توجه و تشویق استادان ادبیات فارسی قرار گرفت و از آن جمله دکتر پرویز ناتل خانلری، استاد نامور زبان و ادب فارسی، بود که انتشار **مجلهٔ سخن** را آغاز کرده بود و بعضی از آثار هوشمند را در **مجلهٔ مزبور** درج می‌کرد.

در آن اوان، لجنهٔ جوانان طهران با اعضای جدید بانی نهضت جوانان شده بود و از جمله ابتکارات گوناگون لجنهٔ مزبور تأسیس **مجلهٔ آهنگ بدیع و انجمن سخن** بود. جناب فتح اعظم در هیأت‌های اجرایی دو نهاد مزبور عضویت داشت. در آن زمان که بیست سال بیشتر نداشت برای اولین بار تقویم تاریخ امر بهائی را تهیه و تألیف کرد که به تدریج در **مجلهٔ آهنگ بدیع** درج می‌شد. وی در همان اوقات، کتاب «اعتراف» از آثار تولستوی نویسندهٔ شهیر روسی را ترجمه و منتشر کرد که مورد تحسین و تمجید ادیب شهیر، مجتبی مینوی، واقع شد و در برنامه‌هایی که در رادیو بی‌بی‌سی اجرا می‌کرد، ترجمهٔ مزبور را به عنوان بهترین نمونهٔ ترجمه به زبان فارسی معرفی کرد و ستود. هوشمند، دورهٔ لیسانس را با موفقیت و امتیاز به پایان رساند و در دورهٔ دکترای ادبیات فارسی پذیرفته شد و دورهٔ دکترای ادبیات را در دو سال به پایان برد.

هوشمند، در سال ۱۹۴۸ با شفیقه خانم فرزار ازدواج کرد و به اتفاق برای شرکت در نقشه چهل و پنج ماهه مهاجرت به شیراز عزیمت نمودند. هوشمند مدت دو سال در مدارس شیراز تدریس می‌کرد و مورد علاقه دانش‌آموزان و مهر و احترام همکاران بود. اما به سبب دشمنی شدید متعصبین مذهبی که برایش خطر جانی داشت ناچار به طهران مراجعت کرد و با این که دکتر خانلری ایشان را برای همکاری در پروژه تألیف فرهنگ‌نامه فارسی دعوت کرده بود چون در ورقه استخدامی خود را بهائی معرفی کرده بود، اداره کارگزینی با استخدام ایشان موافقت نکرد؛ اما رییس کتابخانه دانشسرای عالی موفق شد ایشان را به عنوان معاون خود در کتابخانه دانشسرای عالی منصوب کند.

هوشمند فتح اعظم در مسابقه انتخاب دانشجو برای اعزام به هند که سفارت هندوستان ترتیب داده بود برنده جایزه هزینه تحصیلی دو ساله برای تحصیل در دوره کارشناسی ارشد در دانشگاه ویسوا بهاراتی در شانتینیکتان در بنگال شد، دانشگاهی که به نام دانشگاه صلح معروف شده و یکی از مراکز معتبر آموزش عالی در هند شناخته می‌شود و متفکر و شاعر شهیر هند و برنده جایزه صلح نوبل رایبندرانات تاگور بنیان‌گذار آنست. هوشمند در سال ۱۹۵۲ به هندوستان عزیمت کرد. همسرش شفیقه خانم و فرزند خردسالش شهاب نیز به او پیوستند. هوشمند فتح اعظم موفق به اخذ درجه کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات سانسکریت گردید. وی تنها دانشور ایرانی بود که در رشته مزبور تخصص داشت و می‌توانست در ایران وارد کادر آموزشی دانشگاه شود. اما این زوج فداکار ترجیح دادند که برای خدمات تبلیغی و مهاجرتی در هندوستان باقی بمانند. ایادی امرالله امه‌الله دروتی بیکر که برای ایراد سلسله سخنرانی‌هایی به دانشگاه شانتینیکتان رفته بود، هوشمند را تشویق کرد که برای خدمات امری افزون‌تری لازم است در دهلی پایتخت هندوستان ساکن شود. در اثر تشویق و ترغیب ایشان، و با وصول صواب‌دید از ساحت حضرت ولی‌امرالله، این

خانواده جوان به دهلی نو نقل مکان نمودند و برای شرکت در اجرای نقشه ده ساله جهاد کبیر اکبر در هندوستان مستقر گشتند. کسب مجوز اقامت در هند موکول به تصدی شغلی بود که مورد نیاز باشد و برای تصدی آن شخص واجد شرایط لازم در هند نباشد. این مشکل با استخدام هوشمند فتح اعظم جهت تهیه و اجرای برنامه‌های فرهنگی به زبان فارسی در رادیوی سراسری هند برطرف گردید ولیکن حقوقی که برای این خدمت پرداخت می‌شد، حتی مخارج زندگانی بسیار ساده این خانواده را تأمین نمی‌کرد؛ ناچار هوشمند با تسلط بی‌نظیری که در ترجمه از زبان انگلیسی به فارسی داشت، کارهای ترجمه مورد نیاز دفاتر مختلف سفارت ایران در دهلی را نیز تقبل می‌کرد و شفیقه خانم هم علاوه بر امور خانه و نگاهداری سه فرزند خردسال، با اشتغال به خیاطی و تهیه لباس برای بانوان، در تأمین هزینه زندگانی مشارکت می‌جست.

رفتار بی‌آلایش و محبت‌آمیز و دانش و کمالات روحانی هوشمند سبب شد که در سال ۱۹۵۵ به عضویت محفل روحانی ملی هندوستان و سمت منشی محفل مزبور انتخاب شود. در آن زمان، ساختمان کنونی حظیرةالقدس هند تازه ابتیاع شده بود اما در اجاره و اختیار نمایندگی بازرگانی سفارت روسیه بود که حاضر به تخلیه فوری محل نبودند و نقل مکان را به تهیه مکان مناسب دیگری موکول کرده بودند. بنا بر این، دفتر محفل ملی منحصر به دو اتاق در انتهای طبقه اول ساختمان شده بود. این تنها محدودیت و مشکل کار نبود. دولت مرکزی هند از میان صدها زبان‌های منطقه‌ای و محلی و قومی که در هند رایج بود، شانزده زبان را زبان‌های رسمی شناخته بود و مکاتبات و مراسلات اداری به زبان‌های مزبور انجام می‌شد. مراسلات و گزارش‌هایی که به دفتر محفل می‌رسید و نیاز به پاسخ داشت، معمولاً به حدود ده زبان مختلف بود. اگر چه هوشمند به چند زبان که بیشتر در هند رایج بودند آشنایی داشت، اما مکاتبات محفل از عهده یک یا دو نفر ساخته نبود. لذا، در آن فضای محدود، چند کارمند به

خدمت اشتغال داشتند. در زمانی که وسایط مخابراتی کنونی در میان نبود و حتی ارتباط تلفنی و تلگرافی با بعضی نقاط روستایی وجود نداشت، اداره امور دفتر محفل ملی کاری بس مشکل و وقت گیر بود. در همان اوایل نقشه ده ساله، ایادی امرالله جناب دکتر رحمت الله مهاجر به دهلی آمدند و محفل روحانی ملی و به ویژه هوشمند را تشویق کردند که در هند تبلیغ گروهی در شهرها و دهات آغاز شود. برای اجرای این منظور، چند نفر از احبای مطلع تر و پرتحرک و علاقمند به تبلیغ را برای اجرای چنین نقشه‌ای آماده نمودند و در ابتدا جناب دکتر مهاجر بنفسه با آن یاران به حرکت به نقاط دور و نزدیک پرداختند و به زودی موج عظیم اقبال گروهی به امر الهی سراسر هند را فرا گرفت. اجرا و ادامه این طرح فراگیر مستلزم انتخاب و آموزش و اعزام مبلغان و ترجمه و تهیه و طبع و نشر آثار امری به زبان‌های گوناگون برای نقاطی بود که به نحوی روزافزون مفتوح می شدند. این اقدام گرچه هیجان انگیز و خجسته اثر بود؛ اما نیروی انسانی و مالی محفل را که بسیار محدود بود در مضیقه قرار می داد. همراه با این تحوّل سریع، لازم بود مؤسسه مطبوعات امری هند نیز متحوّل و بازسازی شود و به نحوی وسیع به کار افتد. مدیریت مؤسسه مزبور نیز، به سبب کمبود شدید نیروی انسانی کارآمد، بر عهده منشی محفل قرار گرفت و وی را عهده دار دارالانشاء و امور استخدامی و آموزشی و مطبوعات امری ساخت. افزایش سریع تعداد بهائیان که در مدتی کوتاه ده برابر شده بود سبب می شد که دستگاه اداری پیوسته در توسعه و تغییر باشد. هوشمند ناچار تمام روز از صبح تا غروب مشغول خدمت در حظیرة القدس ملی بود و چون نمی خواست تأمین هزینه زندگی را بر بودجه محدود محفل تحمیل کند، شب‌ها نیز از ساعت ۹ تا ۱۲ در رادیو دهلی به کار اشتغال داشت و کار ترجمه را هم در تعطیلات آخر هفته انجام می داد.

هوشمند فتح اعظم در این گیرودار دست به ابتکارات جالب توجهی زد. چون از یک طرف تهیه و طبع و توزیع کتب مقدّماتی امری به زبان‌های مختلف و به تعداد بسیار

کثیر به فوریت مقدور نبود و از طرف دیگر مقبلین جدید خواهان آثار و نوشتجات امری و مشتاق بودند اثر ملموس و قابل رؤیتی را در بارهٔ امری که بدان ایمان آورده بودند داشته باشند، هوشمند کارت‌هایی را به زبان‌های مختلف هند تهیه می‌کرد که حاوی یکی از نصوص یا مناجات‌ها و نقش گل یا میوه‌ای بود که بنا بر فرهنگ عامیانهٔ هند (فولکلور) با نصوص مزبور مناسبت داشت. مبلغین سیار به هر خانواده‌ای که به امر مبارک ایمان می‌آورد یکی از این کارت‌ها را می‌دادند که هم متن آن را فراگیرند و هم با الصاق آن بر دیوار مسکن خودشان و دیدار مکرر و مرتب آن، رابطهٔ قلبی و معنوی آنان را با آیین جدیدی که پذیرفته بودند، تقویت و تحکیم بخشند.

ابتکار دیگر هوشمند فتح اعظم در این زمینه، تهیهٔ منتخباتی از آثار الهی بود که هر یک، روی ورقه‌ای چاپ شده بود و در هر ضیافت نوزده روزه یکی از این اوراق بین احباء توزیع می‌شد و توصیه می‌شد که آن‌چه را در ورقهٔ مزبور نوشته شده تا جلسهٔ بعدی ضیافت فراگیرند و حفظ کنند. در خانه‌های احبای تازه تصدیق دیده می‌شد که این کارت‌ها و این منتخبات آثار روی دیوارها نصب شده بود. علاوه بر این، ایشان یادداشت‌های دروسی را که در مدارس تابستانهٔ هندوستان تدریس می‌کردند، به صورت کتابی به زبان ساده و با مثال‌های شیرین از محیط زندگانی مردم عادی برای تفهیم مبادی و تعالیم اساسی امر بهائی تألیف و تدوین کردند و تحت عنوان «رضوان جدید» چاپ و منتشر ساختند که بارها تجدید چاپ شده است. این کتاب، وسیلهٔ آموزشی مفید و مؤثری برای احباء شد و خیلی زود در جامعهٔ بهائی شهرتی جهانی یافت و تاکنون به یک صد زبان ترجمه و منتشر شده است.

هوشمند، علاقهٔ وافری به گل و گیاه و گل‌کاری و باغ‌سازی داشت. در دهلی نوبا شخصی آشنا شده بود که در گیاه‌شناسی و پرورش گل تخصص داشت و در پی

یافتن محل مناسبی بود که به پرورش انواع رز (گل سرخ) پردازد. از او دعوت کرده بود که از محوطهٔ وسیع ورودی باغ حظیرهٔ القدس برای این منظور استفاده کند. در نتیجه محوطهٔ ورودی حظیرهٔ القدس به باغ زیبایی از انواع گل رز تبدیل شده بود. جناب فتح اعظم ترتیبی داده بودند که بر بدنهٔ درخت تنومندی که بر این باغ گل سایه افکن بود این بیان مبارک از کلمات مکنونه به زبان انگلیسی نقش شود: «در روضهٔ قلب جز گل عشق مکار و از ذیل بلبل حبّ و شوق دست مدار.» این گل کاری زیبا و این بیان مبارک توجه هر واردی را به خود جلب می کرد.

جناب فتح اعظم همهٔ این مساعی و خدمات را داوطلبانه و بدون دریافت مقرری و پاداش مادی بر عهده گرفته بودند و در سراسر عمر پر ثمر و اثر خود حتی در آمد کتاب‌هایی که تألیف می کردند را پیشاپیش به مشروعات مختلف امری اختصاص می دادند و دیناری برای خود دریافت نمی کردند. ایشان و شفیقه خانم به زندگانی محدود در خانهٔ بسیار ساده‌ای که ادارهٔ رادیو در اختیارشان گذاشته بود، به دور از هر گونه تجمل، قناعت کرده بودند؛ اما آن خانهٔ ساده، همواره پذیرای یار و اغیار بود و آشنا و بیگانه با محبت صمیمانه مورد مهمان‌نوازی قرار می گرفتند.

جناب هوشمند فتح اعظم در سال ۱۹۶۳ در انتخابات بین‌المللی بهائیان جهان به عضویت بیت‌العدل اعظم که در آن سال تأسیس شد، انتخاب شدند و این خدمت را به مدت چهل سال بر عهده داشتند. شرح مجملی از خدمات ایشان در این دوران به قلم جناب علی نخجوانی در مجلهٔ پیام بهائی شمارهٔ ۴۰۷ درج شده است.

جناب فتح اعظم علاوه بر مسئولیت‌ها و اقدامات عمومی اعضای بیت‌العدل اعظم به ویژه در توسعه و تجمیل باغات مرکز جهانی بهائی و ارتباط با احبای مظلوم و ستمدیده در ایران و رسیدگی به احوال آنان سهمی بسزا داشتند و در اوقات کوتاهی

که در بحبوحه کار مجالی دست می‌داد، به ترجمه دواثر معروف حضرت ولی‌ام‌الله یعنی **نظم جهانی بهاء‌الله و قد ظهر یوم المیعاد** از انگلیسی به فارسی می‌پرداختند.

جناب هوشمند فتح اعظم در سال ۲۰۰۳ به تقاضای شخصی از عضویت بیت العدل اعظم معاف شدند و در ۱۳ اگست ۲۰۱۳ روح پرفتحشان به ملکوت ابهی صعود کرد. جناب فتح اعظم از قریحه سرشاری در سرودن انواع مختلف شعر برخوردار بودند و گاه به گاه اشعاری سروده‌اند که داستان آن را در مقدمه مجموعه اشعارشان به نام **در انتظار نم‌باران** می‌توان یافت. اشعار ایشان حتی شامل سروده‌هایی برای نونهالان خردسال هم می‌شود که نمونه آن کتاب **قصه قصه** از انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب است. سال‌های پایانی عمر را در وانکور در کانادا گذراندند و به ترجمه و انتشار چند اثر عمده از آثار حضرت ولی‌ام‌الله به زبان انگلیسی و تألیف کتاب‌هایی در معرفی حقایق امر بهائی و تهیّه و اجرای بیش از چهار صد برنامه رادیویی تحت عنوان **یک ساعت تفکر** با بیانی دلنشین و شیوا در رادیو پیام دوست و نوشتن مقالات گوناگون در مباحث امری اشتغال داشتند که شرح آنها در مقاله‌ای در مجله پیام بهائی شماره ۴۰۹ آمده است.